

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

# دجال در متون اسلامی و بازتاب آن در شعر فارسی

نگارش: الهام نظری

استاد راهنما: دکتر اسماعیل تاجبخش

استاد مشاور: دکتر مهدی دشتی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بهمن ۱۳۹۰

# فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه

## کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان: دجال در متون اسلامی و بازتاب آن در شعر فارسی		
نویسنده: الهام نظری		
استاد راهنما: دکتر اسماعیل تاج‌بخش	استاد مشاور/استاد داور: دکتر مهدی دشتی / دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده	
کتابنامه: دارد	واژه‌نامه: ندارد	
نوع پایان‌نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/>	توسعه‌ای <input type="checkbox"/>	کاربردی <input checked="" type="checkbox"/>
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۹۰	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبایی	دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجه
تعداد صفحات: ۱۵۶	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی	
کلیدواژه‌ها به زبان فارسی: متون اسلامی، شعر فارسی، دجال، مضامین، هنرهای بلاغی، حضرت عیسی (ع)، حضرت مهدی (ع).		
کلیدواژه‌ها به زبان انگلیسی: Islamic texts, Persian poem, Concepts, rhetorics, The Islamic antichrist (Dajjal); Christ; Imam Mahdi		

## چکیده

**الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):**

این پژوهش، آنچه را در مورد مسئله‌ی دجال در متون اسلامی آمده است، بیان می‌کند و به بررسی میزان تأثیر این مسئله در شعر فارسی و بهره‌گیری شاعران از ابعاد مختلف آن در بیان دیدگاه‌هایشان می‌پردازد و در پایان مقایسه‌ای بین مطالب این دو حیطه انجام می‌شود.

**پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:**

روش تحقیق به صورت گردآوری، ترجمه و تحلیل می‌باشد. و یافته‌های تحقیق، در یک مقدمه و سه فصل تدوین شده است. در مقدمه، پیشینه‌ی تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، برخی از شیوه‌های تأثیرپذیری و مطالبی راجع به دجال در ادیان مختلف آمده است. فصل اول به بررسی دجال در متون اسلامی پرداخته است. در فصل دوم دیدگاه‌های محققان و مفسران درباره‌ی این که دجال افسانه است یا واقعیت، بیان می‌شود. فصل سوم به تأثیر دجال در شعر فارسی اختصاص دارد. و در پایان، یافته‌های مقایسه‌ی دو حیطه بیان شده است.

**ت. یافته‌های تحقیق:**

مهم‌ترین یافته‌های تحقیق عبارتند از: ۱. درباره‌ی اصل دجال چند احتمال وجود دارد نه یک احتمال؛ ۲. شاعران فارسی بر اساس اعتقادات اسلامی خود سخن نگفته‌اند؛ بلکه گذشته از اندیشه‌های اسلامی، اندیشه‌های دیگری مانند اندیشه‌های ادیان دیگر، باورهای مردم زمانه و ... بر آنان تأثیر داشته است.

**ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادها:**

از میان احتمالاتی که درباره‌ی دجال داده‌اند، در متون اسلامی دو احتمال شخص بودن و نوع بودن دجال غلبه دارد و در شعر فارسی دجال شخص است. و نظر نگارنده نیز این است که دجال شخص است؛ اما نه با آن خصوصیات اغراق‌آمیزی که برای آن بیان کرده‌اند. یک شخص عادی و شاید یک چشمی است که با حضرت مهدی مبارزه می‌کند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان‌نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می‌نمایم.

نام استاد راهنما: دکتر اسماعیل تاج‌بخش

سمت علمی: دانشیار

نام دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجه

رئیس کتابخانه: عبدالعلی جهان‌شاهی

تقديم به:

مادرم

سپاس گزار کسانی هستم که سر آغاز تولد من هستند:

از یکی زاده می شوم

و

از دیگری جاودانه

استادی که سپیدی را بر تخته‌ی سیاه زندگی ام نگاشت

و

مادری که تار مویی از آن به پای من سیاه نماند.

## چکیده

مسئله‌ی دجال در بیشتر ادیان مطرح و فتنه‌اش به تمام پیامبران گوشزد شده است. نخستین بار در رساله‌ی یوحنا به او اشارت رفته و مقصود یوحنا از دجال، کسانی است که درباره‌ی تجسم مسیح، آراء گوناگون دارند، و نیز هر روحی که تجسم عیسی را انکار کند، دجال است. در متون اسلامی نیز به صورت‌های گوناگون آمده است و در مورد اصل آن احتمالاتی داده شده است، برخی معتقدند که شخص است، برخی معتقدند، نوع و وصف است و ... . با ورود مضامین قرآنی و اسلامی به ادب فارسی، مضامین مربوط به دجال نیز مورد استفاده‌ی شاعران قرار گرفته و در شعرشان انعکاس داشته است. قصد شاعران از بیان این مضامین صرفاً تلمیح نیست؛ بلکه از آن‌ها برای بیان دیدگاه‌های خود در قالب تشبیه و استعاره، نماد و ... استفاده می‌کنند. در شعر فارسی دجال شخص است و شاعران به احتمالات دیگری که در متون اسلامی درباره‌ی او داده شده است توجهی ندارند. پایان‌نامه‌ی حاضر به بررسی مضامین مربوط به دجال در متون اسلامی و بازتاب آن‌ها در شعر فارسی می‌پردازد و در انتها مقایسه‌ای میان این دو حیطه انجام می‌شود.

کلیدواژه: متون اسلامی، شعر فارسی، دجال، مضامین، هنرهای بلاغی، حضرت عیسی (ع)، حضرت مهدی (ع).

## پیش‌گفتار

دجال از مباحثی است که در متون اسلامی به صورت‌های گوناگون شرح داده شده است و محققان و مفسران در این زمینه آراء مختلفی ارائه داده‌اند. و شاعران فارسی برای بیان وقایع تاریخی و مضمون-آفرینی و نمادپردازی به قصد تأثیرگذاری از اشارات داستانی و تلمیحات در پیوند با دجال و آخرالزمان بهره برده‌اند.

این پژوهش بر آن است تا دجال را در دو حیطه‌ی متون اسلامی و شعر فارسی بررسی کند و در انتها به مقایسه‌ی مطالب این دو حیطه بپردازد. کتبی که در نگارش مطالب حیطه‌ی متون اسلامی انتخاب شده از کتب مستند شیعه و اهل سنت می‌باشد و نگارنده خود را متعهد دانسته که آنچه را در ارتباط با دجال از حدیث و تأویل و تفسیر از افراد مختلف روایت شده، به دور از هرگونه داوری و جانب‌داری بیاورد.

گسترده بودن موضوع، نبودن منابع به زبان فارسی - آنچه موجود است به صورت پراکنده و محدود در کتب راجع به حضرت مهدی می‌باشد- وجود منابع به زبان عربی و زمانبر بودن ترجمه‌ی آنها، از جمله مشکلاتی است که این پژوهش با آنها روبه‌رو بوده است.

در پایان شایسته می‌دانم از زحمات بی‌دریغ آقای دکتر تاج‌بخش که راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته‌اند و جناب آقای دکتر دشتی که مشاور بنده بوده‌اند، قدردانی کنم و همچنین از راهنمایی‌های بی‌شائبه‌ی آقای دکتر ایران‌زاده در طول تدوین پایان‌نامه بی‌نهایت سپاس‌گزارم.



صفحه	فهرست
۱	مقدمه
۴	معنای لغوی دجال
۶	معنای اصطلاحی دجال
۸	دجال در ادیان مختلف
<b>فصل اول: دجال در متون اسلامی</b>	
۱۴	مقدمه
۱۷	اسم و نسب دجال
۱۹	کنیه و القاب دجال
۱۹	علت نام گذاری دجال به مسیح
۲۱	اوصاف دجال
۲۵	خروج دجال
۲۶	نشانه‌های خروج دجال
۲۹	فتنه‌ها و عجایب دجال
۳۴	خر دجال
۳۵	پیروان دجال
۳۷	عقیده دجال
۳۸	خاستگاه دجال و مکان خروج

۳۹ پایان کار دجال

۴۰ عذاب أدنی

۴۱ ایام دجال

۴۳ حدیث جساسه

۴۴ نقد و بررسی حدیث جساسه

### **فصل دوم: دجال افسانه یا واقعیت**

۴۹ دجال افسانه یا واقعیت

### **فصل سوم: بازتاب دجال در شعر فارسی**

۶۵ سیر دجال در شعر فارسی

۶۷ مضامین مربوط به دجال

۶۷ مشخصات ظاهری دجال

۷۱ خر دجال

۷۶ جساسه

۷۷ طبل دجال

۷۷ خاستگاه دجال

۷۹ تقابل دجال با حضرت عیسی

۸۷ تقابل دجال با حضرت مهدی

**هنرهای بلاغی ساخته شده از دجال**

	۱. هنرهای بیانی
۹۷	تشبیه
۱۲۱	استعاره
۱۲۸	نماد
۱۳۶	کنایه
	۲. هنرهای بدیعی
۱۳۶	اسلوب معادله
۱۳۸	ایهام
۱۴۰	حسن تعلیل
۱۴۱	نمودار ۱: درصد فراوانی مضامین مربوط به دجال در شعر فارسی
۱۴۲	نمودار ۲: درصد فراوانی هنرهای بلاغی مضامین مربوط به دجال در شعر فارسی
۱۴۳	نتیجه
۱۴۷	منابع

## مقدمه

آغاز شعر فارسی از اوایل قرن سوم پیش تر نمی رود، از این قرن است که کسانی چون حنظله بادغیسی، محمد بن وصیف، ابوحنفص سغدی، ابوالعباس مروزی، بسام کرد، فیروزمشرقی و... ابیاتی را به زبان فارسی دری می سرایند. در قرن چهارم در سراسر ایران از یک سو فرهنگ اسلام که خود برخاسته از قرآن و حدیث است، ریشه دوانیده بود و از سوی دیگر زبان عربی نیز که زبان قرآن و اسلام بود در ایران گسترش یافت و این زمینه‌ی اثرپذیری‌های گوناگون فرهنگ فارسی از فرهنگ اسلامی-عربی را فراهم ساخت. (راستگو، ۱۳۷۶: ۳-۴)

پیشینه‌ی بهره‌گیری و اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن و حدیث به آغاز پیدایی و پاگیری شعر فارسی یعنی نیمه‌های سده‌ی سوم و به نخستین سروده‌ی پارسی از محمد بن وصیف بازمی‌گردد. تجلی قرآن و حدیث در سروده‌های پارسی گویان سده‌های سوم و چهارم چندان گسترده نیست اما با گذشت زمان و گسترش شعر فارسی زیاد می‌شود و سرانجام در سده‌های هفتم و هشتم به‌ویژه در مثنوی مولانا به اوج خود می‌رسد. (همان: ۶-۷)

شیوه‌های اثرپذیری ادبیات فارسی از قرآن و حدیث گوناگون است که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. **اقتباس:** «اقتباس در اصل لغت به معنی پرتو نور و فروغ گرفتن است؛ چنان که پاره‌ای از آتش را بگیرند و با آن آتش دیگر برافروزند، یا از شعله‌ی چراغی، چراغ دیگر را روشن کنند و به این مناسبت، فراگرفتن علم و هنر، و ادب آموختن یکی از دیگری را اقتباس می‌گویند، و در اصطلاح اهل ادب، آن است که حدیثی یا آیتی از کلام‌الله مجید یا بیت معروف را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال.» (همایی، ۱۳۶۱: ۳۸۴-۳۸۳)

کفر و دین هر دو در رهش پویان      وحده لا شریک له گویان

(سنایی، بی تا: ۶)

۲. **تلمیح:** «یعنی به گوشه‌ی چشم نگریستن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند.» (همایی، ۱۳۶۱: ۳۲۶)

سگ اصحاب کهف روزی چند      پی نیکان گرفت و مردم شد

(سعدی، ۱۳۶۸: ۶۳)

۳. **ارسال مثل:** «آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبه مثل یا متضمن مطلبی حکیمانه است بیارند و این صنعت همه‌جا موجب آرایش و تقویت بنیه‌ی سخن می‌شود و گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد.» (همایی، ۱۳۶۱: ۲۲۹)

زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم      به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

(سعدی، ۱۳۶۸: دیباچه)

اشاره به آیه‌ی «صُمُّ بَكُم عُمِّي فَهَمُّ لَا يَرْجِعُونَ.» (بقره: ۱۸)

آنان کر و لال و کورند و از ضلالت خود بر نمی‌گردند.

۴. **تضمین:** «در لغت یعنی گنجاندن و در علم بدیع عبارت از این است که شاعر آیتی یا حدیثی یا مصراعی یا بیتی یا دویتی از شعر (یا نوشته) شاعران و نویسندگان پیشین یا معاصر را در سروده‌ی خود می‌آورد و اگر آن سخن مشهور نباشد، نام او را در سخن خود ذکر کند.» (حلبی، ۱۳۷۱: ۵۰)

ای آدم از بهشت بیرون رو، و ای حوا از او جدا شو، اِهْبَطُوا مِنْهَا جَمِيعًا. (رازی، ۱۳۸۶: ۹۳)

۵. **عقد:** به نظم کشیدن قرآن و حدیث، زمانی که به آیه و حدیث بودن آن اشاره شود یا آن عبارت تغییری شگرف کرده باشد، صنعت عقد است و اگر این دو مورد اعمال نشود منظوم کردن قرآن و حدیث اقتباس است نه عقد. (جعفری تبار، ۱۳۸۶: ۳۶)

گفت پیغمبر که عینای تنام      لا ینام القلب عن ربّ الانام

(مولوی، ۱۳۷۹: ۳۶۸ الف)

اشاره به حدیث پیامبر اکرم: «تَنَامُ عَيْنِي وَ لَا يَنَامُ قَلْبِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۸۹/۷۳)

چشمانم می‌خوابد ولی قلبم نمی‌خوابد.

۶. **حل:** «در اصطلاح ادیبان به کار بردن الفاظ آیات و احادیث و مثل در سخن و نوشته است که به ضرورت‌های شعری و مناسبات دیگر از وزن و عبارت اصلی خارج می‌شود.» (مؤذنی، ۱۳۷۵: ۳۳)

لا يَسْعَ فِينَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ      وَالْمَلِكُ وَالرُّوحُ اَيْضًا فَاعْقِلُوا

(مولوی، ۱۳۷۹: ۱۶۸ الف)

اشاره به حدیث پیامبر اکرم: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۳/۷۹)

مرا با پروردگار وقتی است که هیچ نبی مرسل و ملک مقرب در آن نمی‌گنجد.

۷. **ترجمه:** زمانی که آیه و حدیث به فارسی ترجمه شود خواه بسته و پای‌خوان و خواه آزاد و باز. ( راستگو، ۱۳۷۶: ۳۸ )

گفت پیغمبر که نفع‌های حق      اندر این ایام می‌آرند سبق

گوش و هوش دارید این اوقات را      در ربایید این چنین نفعات را

(مثنوی، ۱۳۷۹: ۸۶ الف)

معنای حدیث « ان فی ایام دهرکم لنفحات الا فتعرضوا لها به. » (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۷/۸۴)

همانا که در روزهای زندگی شما نسیم‌های الهی دروزیدند به هوش باشید و خود را بر آنها عرضه کنید.

۸. **نام‌گذاری اثر:** « نام‌گذاری برخی از آثار ادبی متأثر از قرآن و حدیث یا متون مقدس دیگر است. به‌عنوان مثال عطار نیشابوری منطق‌الطیر خود را با توجه به آیه « عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ » (نمل: ۱۶) نام‌گذاری کرده است. (جعفری تبار، ۱۳۸۶: ۴۰)

همان‌طور که می‌بینیم، اثرپذیری از قرآن کریم، به‌صورت گوناگونی در ادب فارسی نمود یافته است. و علاوه بر مضامین قرآنی، مفاهیم دینی و مذهبی هم در ادبیات جلوه‌گر است؛ یکی از این مفاهیم دینی که به‌طور مستقیم اشاره‌ای در قرآن به آن نشده، دجال است.

## معنای لغوی دجال

دجال از ریشه‌ی «دَجَلَ» است و برای «دَجَلَ» سه معنا ذکر کرده‌اند:

۱. کَذَبَ (دروغ گفت). (معلوف، بی‌تا «دجال»)

۲. طلّی (زراندود کرد، روکش کرد). و زمانی که گفته می‌شود: دَجَلُ الْاِنَاءِ یعنی طَلَاهُ بِالْاِنَاءِ (آن را با قیر روکش کرد). (همان)

۳. غطّی (پوشاندن). و زمانی که گفته می‌شود دَجَلُ الْاَرْضِ یعنی غَطّی الْاَرْضِ (زمین را پوشاند). (همان)  
و معنایی که برای دجال ذکر کرده‌اند:

۱. کذاب: دروغ‌گوی. (فیومی، ۱۴۰۵: «دجال»)

۲. ماءُ الذهب: آب زر، و دروغ‌گو را به آب زر تشبیه می‌کنند زیرا خلاف آنچه را در باطن دارد نشان می‌دهد. (معلوف، بی تا: «دجال»)

۳. القطران: قیر. (همان)

۴. السرجین، الزیل: سرگین. (همان)

۵. جوهر السیف: گوهر شمشیر. (عبدالکریم، بی تا: ج ۲/ «دجال»)

۶. گروه بزرگ. (همان)

۷. رفقة العظيمة: جوشش بزرگ. (ابن منظور، بی تا: «دجال»)

۸. «دجال کلمه‌ای است مرکب و الف و لام آن همان الف و لامی است که در نام‌های دانیال و حزقیال هم وجود دارد و به معنی خداست. جزء اول آن هرچه باشد به معنی ضد و خصم و دشمن است و دور نیست که با «دژ» و «دشمن» و «دشوار» هم‌ریشه باشد.» (خزائلی، ۱۳۵۰: ۴۷۹)

۹. «دجال را در زبان‌های فرانسه و انگلیسی «آنتی کریست، Antichrist» نامیده‌اند؛ که به معنی دشمن و ضد مسیح است.» (خزائلی، ۱۳۵۰: ۴۷۹)



## معنای اصطلاحی دجال

دجال در اصطلاح چند معنا دارد:

۱. دجال مردی کذاب که در آخرالزمان ظهور می‌کند. ( صدوق، ۱۴۰۵: ۵۲۶)
۲. گروهی دروغ‌گو و فریب‌کار که در صدد فریب مردم باشند. (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۱۹۲)
۳. مراد از دجال، همان سفیانی است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵: ۲۹۴)
۴. دجال کنایه از کفر جهانی و سیطره‌ی فرهنگ مادی بر همه‌ی جهان است. (همان: ۲۹۵) و (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۱۹۸)
۵. مفهومی ذهنی است که مصداق خارجی ندارد و مصداق واقعی آن در وجود معدودی از بشر صدق می‌کند؛ مانند: سیمرغ و دیو و ... (عماد زاده، بی‌تا: ۳۴۲)
۶. برخی از علمای مسیحی من جمله صاحب کتاب قاموس مقدس، دجال را اسم عام می‌دانند و به تصور ایشان مراد از دجال و دجالان، کسانی هستند که مسیح را تکذیب کنند. (مجلسی، ۱۳۵۰: ۹۳۷/۱۳)

دلایل این نام‌گذاری عبارتند از:

۱. دَجَلُهُ: سِحْرُهُ و كَذِبُهُ؛ لِأَنَّهُ يَدْجُلُ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ. (ابن منظور، بی‌تا: «دجال»)  
برای این که او حق را به وسیله‌ی باطل می‌پوشاند.
۲. لِأَنَّهُ يُعْطَى الْأَرْضَ بِكَثْرَةِ جُمُوعِهِ. (همان)  
به دلیل این که کل زمین را می‌پوشاند.
۳. يُقَالُ لِمَاءِ الدَّهَبِ دَجَّالٌ، و بِهِ شُبُهَةُ الدَّجَالِ لِأَنَّهُ يُظْهِرُ خِلَافَ مَا يُضْمِرُ. (همان)

به آب طلا، دجال می گویند، و به این دلیل دجال به آن تشبیه شده که خلاف آن چه را در درون دارد، نشان می دهد.

۴. أصلُ الدَّجَلِ: الخَلْطُ، يُقَالُ: دَجَلٌ إِذَا لَبَسَ وَ مَوَّهَ. (همان)

«دَجَلٌ» یعنی «خَلْطٌ» (مخلوط کرد، مشتبه کرد)، و گفته می شود: دَجَلٌ، زمانی که چیزی یا کسی دچار شبه می شود.

۵. الدَّجَالُ المُمَوَّه، يُقَالُ: دَجَلْتُ السَّيْفَ مَوَّهَةً وَ طَلَيْتُهُ بِمَاءِ الدَّهَبِ. (همان)

دجال یعنی آب طلاکاری کننده و تحریف کننده، و گفته می شود: دجلت السیف، زمانی که شمشیر را با آب طلا زرانود می کنند.

۶. دجال از «دَجَلٌ» گرفته شده یعنی شتر مالیده به قطران. دجال نیز حق را می پوشاند و آن را با سحر و دروغش پنهان می کند؛ آن چنان که کسی جرب شترش را به وسیله دجاله می پوشاند و «دجاله» ماده ای است که به شتر می مالند. (احمد عطا، ۱۴۱۹: ۴)

۷. إِنَّهُ مِنَ التَّغْطِيَةِ (دجال از تغطیه (پوشاندن) گرفته شده)؛ به خاطر این که دجال کل زمین را می - پوشاند وَ الدَّجَلُ: التَّغْطِيَةُ. (احمد عطا، ۱۴۱۹: ۴)

این درید می گوید: «كُلُّ شَيْءٍ غَطِيَّتُهُ فَقَدْ دَجَلْتُهُ» و اشتقاق الدَّجَالُ هَذَا لِأَنَّهُ يَغْطِي الارضَ بِالْجَمْعِ الكَثِيرِ. (فیومی، ۱۴۰۵: «دجال»)

و علت نامگذاری رودخانه دجله نیز به این خاطر است که بر روی زمین جاری می شود و هر آن چه را که در مسیرش قرار دارد می پوشاند. (احمد عطا، ۱۴۱۹: ۴)

۸. دجال کل زمین را می پیماید به جز مکه و مدینه و الدجالة یعنی الدَّفَقَةُ العَظِيمَةُ (جوشش و فوران عظیم). (احمد عطا، ۱۴۱۹: ۴)

۹. الدجال: المخرق و التخرق: الكذب (دروغ سر هم کردن، فتنه‌گری، دو به هم زنی). در قرآن آمده وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَ بَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ. (انعام: ۱۰۰) خرقوا: کار را با دروغ و افترا و کفر انجام دادند. دجال نیز کارها را با دروغ و افترا انجام می‌دهد. (مصطفی مراد، ۱۴۱۹: ۲۵-۲۴)

۱۰. الدجال یعنی فرند السیف و الفرند یعنی وشى السیف (تزیین کردن شمشیر). دجال نیز حق را به وسیله‌ی باطل زینت می‌دهد. (همان)

## دجال در ادیان مختلف

« دجال نخستین بار در رساله یوحنا، باب چهارم، شماره‌ی سوم آمده است. » (همان، ۳۷۹)

« ازقراری که از آیات وارده در رساله‌ی یوحنا مستفاد می‌شود، مقصود یوحنا از [دجال] کسانی است که درباره‌ی تجسم مسیح، آراء مختلفی دارند. چنان‌که در نامه‌ی اول یوحنا ۳:۴ می‌گوید: " هر روحی که عیسی مجسم شده را انکار کند از خدا نیست و این است روح دجال که شنیده‌اید که او می‌آید و الان هم در جهان است ". نیز در اول یوحنا ۱۸:۲ می‌گوید: " شنیده‌اید که دجال می‌آید، الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده‌اند. " نیز در اول یوحنا ۲۲:۳ می‌گوید: " دروغ‌گو کیست جز آن که مسیح بودن را انکار کند، آن دجال است که پدر و پسر را انکار می‌نماید " و ۲ یو ۷ [۷:۲] وارد است زیرا [چون که] گمراه‌کنندگان بسیار به دنیا بیرون شدند که عیسی مسیح ظاهر شده در جسم را اقرار نمی‌کنند آن است گمراه‌کننده و دجال. حاصل آن که ضد مسیح را انکار کند و اتحاد ناسوت و لاهوت وی را انکار کند و آن جمله سرنتش و نامر و غیره است. » (هاکس، ۱۳۷۰: دجال)

«اما یهودیان هم به ظهور کسی که با خدا خصومت ورزد و دارای قدرت فوق‌العاده باشد معتقد بوده‌اند. در کتاب دانیال، باب یازدهم از صفات این چنین شخص که ظاهر خواهد گردید گفت‌وگو شده و در باب هفتم همین کتاب هم در صورت رمز و اشاره از دشمن خدا سخن به میان آمده است،

او کسی است که پادشاه را از میان می‌برد و با او خصومت و دشمنی می‌ورزد و دوران تسلط او سه سال و نیم است.

بنابر تحقیقات مورخان، کتاب دانیال در زمان مکاب‌ها نوشته شده است. صفات و اشارات این کتاب را که حاکی از وضع بد روزگار و ظهور حکومت اشرا است نخستین بار بر آنتیوکوس منطبق کرده‌اند. وی به قتل عام یهود دست زد و آنان را به شکنجه‌های گوناگون مبتلا می‌ساخت و دسته دسته در آتش می‌انداخت و می‌سوخت.

پس از گذشتن وقایع ناگوار آنتیوکوس، چون همه‌ی اشارات دانیال تحقق پذیرفت، یهود مسطورات آن کتاب را بر «پمپی» و سپس بر «کالیکولا» منطبق کردند و پس از آن به طور کلی امپراطور روم را دشمن خدا شناختند. به تدریج در میان یهودیان و مسیحیان، این عقیده به وجود آمد که دجال موعود دانیال، حاکی از حکومت ظالمانه‌ای است که در آخر جهان پیدا خواهد شد و پس از دورانی موقت و پر آشوب شکست خواهد خورد و جهان پایان خواهد پذیرفت یا حکومت عادل‌ی دائم روی کار خواهد آمد.» (خزائلی، ۱۳۵۰: ۴۷۹-۴۷۸)

زرتشت می‌گوید: که بر حسب مشیت و اراده‌ی متعال اهورامزدا، تمام موجودات آفریده شده‌اند و چنان که در آیه‌ی آخرین از گات‌ها صراحت دارد، اهورامزدا موجب و موجد هم نور و هم ظلمت، هر دو، می‌باشد.» (ناس، جان، ۱۳۷۰: ۴۵۸)

«با آن که اهورا مزدا در عرض جلال خود هیچ ضدّ و ندی ندارد، مع‌ذلک زرتشت معتقد است که در برابر هر نیکی، یک بعد بدی موجود است... و بر آن است که این ضدیت و دوگانگی بین دو عنصر- بدی و نیکی - هم از ابتدای خلقت وجود داشته است... (همان: ۴۶۰)

«از جمله چیزهایی که زرتشت در کتاب زند و اوستا گفته، این است که در آخرالزمان مردی پیدا شود که نامش «استدیریکا» است و معنای آن «مرد دانشمند» است و او جهان را به دین و عدل بیاراید. در زمان او پتیاره‌ای پیدا شود که آفت در مملکت او بیفکند و بیست سال حکومت کند، پس از آن